

# Hidden Love Can't be Concealed

Uploader

**Dahlia**

Translator

**Liva**

Editor **touka chan & Ryunosuke**


Director

**Leon**

*Arno*

تیم ترجمه و ادیت انویسی  
سگای تقدیم میکند






مامان، تو که  
اخلاق دوآن جیاشو  
رو میشناسی.

وضعیت  
مالی الانش بد  
نیست،

اگه آدم خوبی نبود،  
داداش به هیچ وجه  
موافقت نمیکرد.

تازه خودمم  
به زودی روی پای  
خودم وایمیستم و  
پول درمیارم.



به علاوه  
هروقت که چیزی  
پیش میاد اون حسابی  
مراقبمه.

این از روی هوس نبوده،  
من جدی ام. مامان واقعا لازم  
نیست نگرانم باشی، من واقعا  
مطمئنم که توی آینده برامون  
مشکلی پیش نییاد.



میدونم...



نمیدونم که  
حرف هام رو چدی  
گرفت یا نه.

تو همچین  
وضعیتی، چرت  
نمیکنم دو آن جیاشو  
رو پیارم مونه.

# عشق پنهان

مخفی همیشه  
نمیمونه...

نویسنده: ژو بی  
آرטיست: گو شیائو

چپتر: 124

از اینجا به  
بعد رو خودم میرم.  
جیاشو باید برگردی هتل  
و استراحت کنی-

چهارمین روز از  
سال جدید قمری

دو آن جیاشو؟

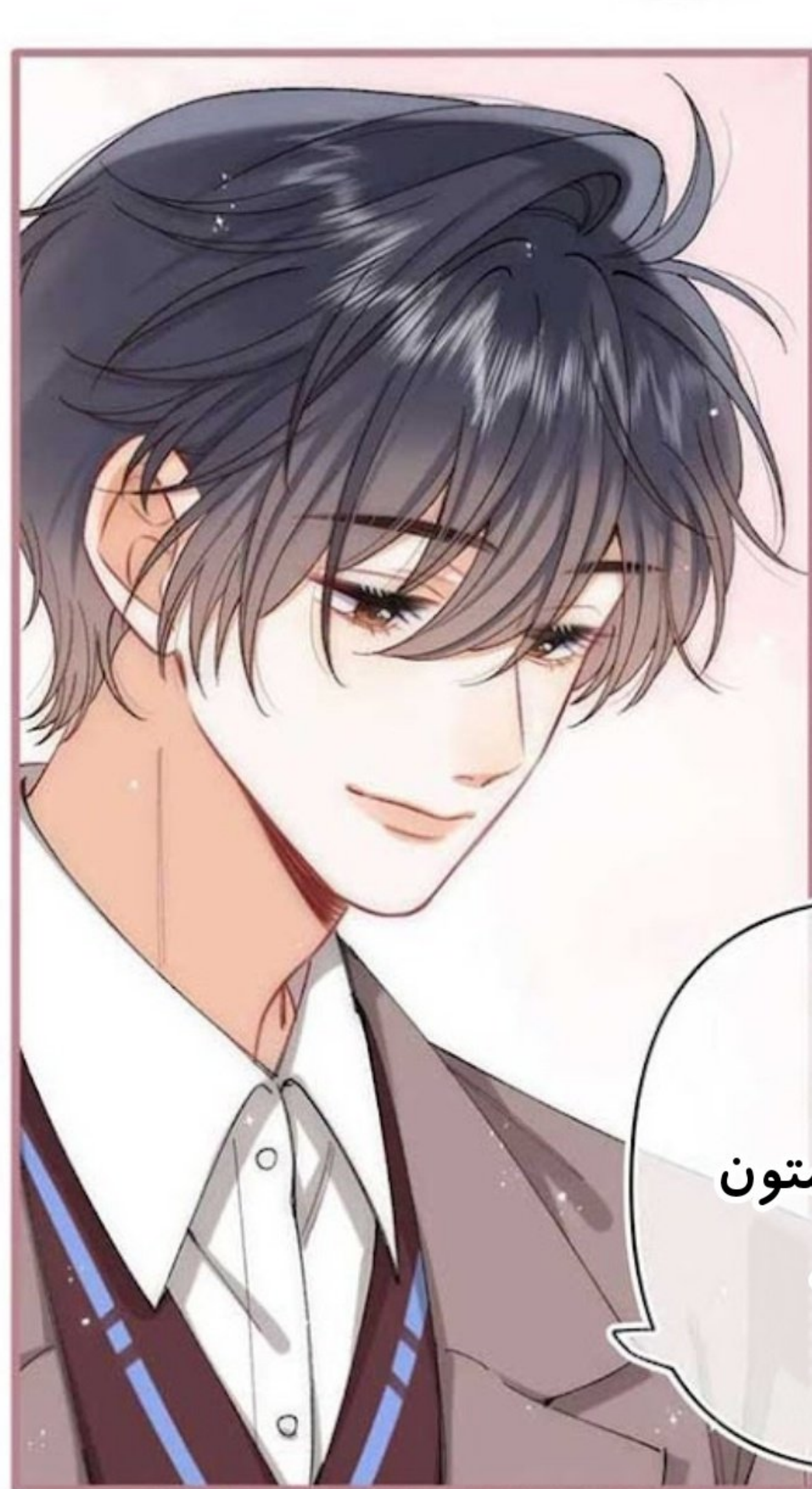




سلام عمو،  
عمه.

بیا باهم بریم  
خونه، خیلی وقته که  
از اومدن به نانوو  
میگذره.

سانگ یان هم  
زیاد درمورد حال و  
احوال چیزی  
نگفته.



پس مزاحمتون  
میشم.

AS



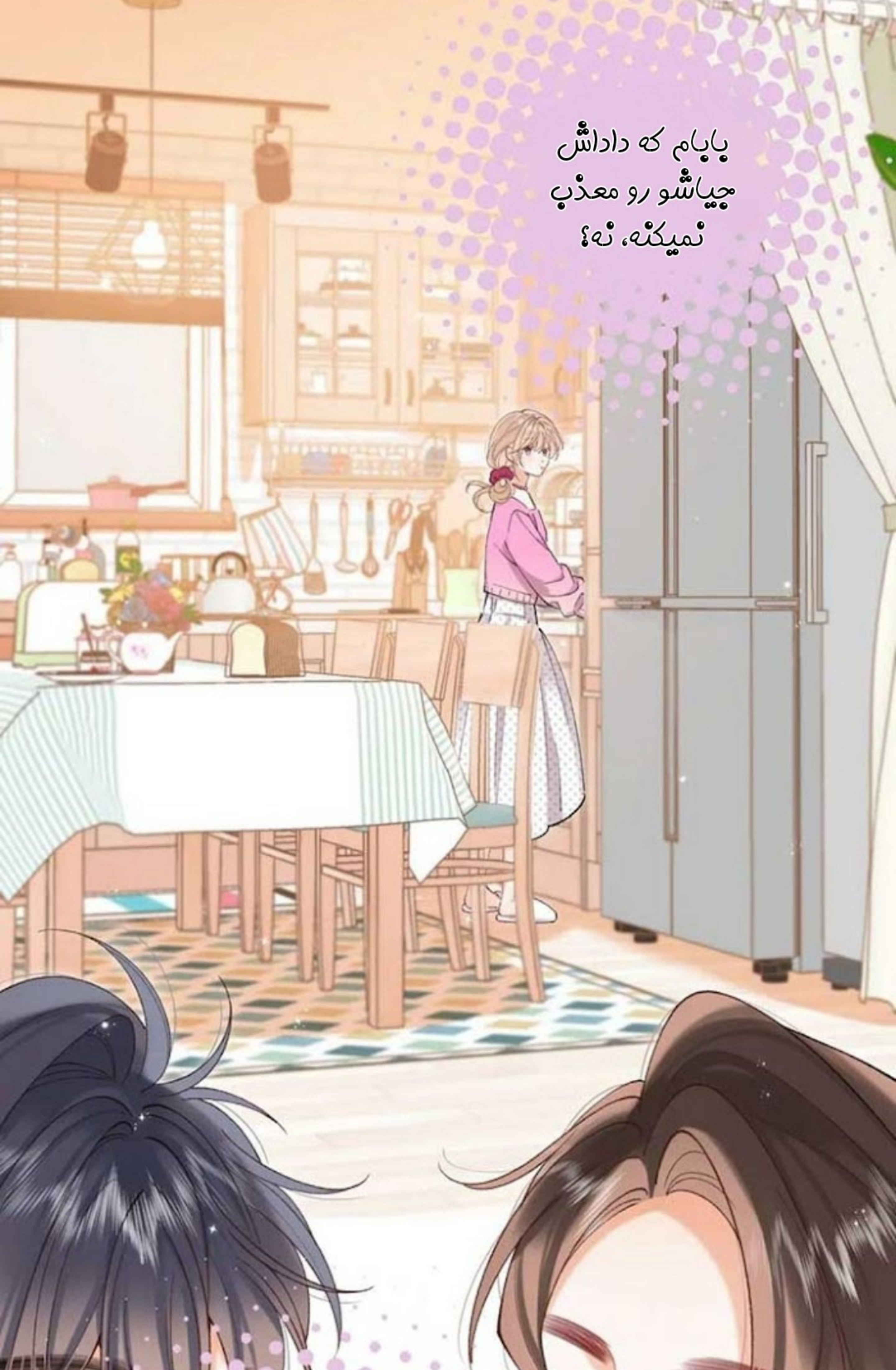
مامان.



چیه؟  
نمیخوایم قورتش  
بدیم که.



پاپام که داداش  
چپاشو رو معذب  
نمیکنه، نه؟



په چوشون  
نمپخوره که پاپام  
حرف ناچوری زده  
باشه؟



بابا، داداش  
جیاشو، بفرمایید  
میوه.



داره دیروقت  
میشه، دیگه رفع  
زحمت میکنم.

عمو، عمه، سال نو  
مبارک. دفعه‌ی بعد  
درست و حسابی میام  
دیدتون.

باشه.



تو راه مواظب  
باش.

من بدرقات  
میکنم.



نیازی نیست،  
فقط چندتا قدمه.



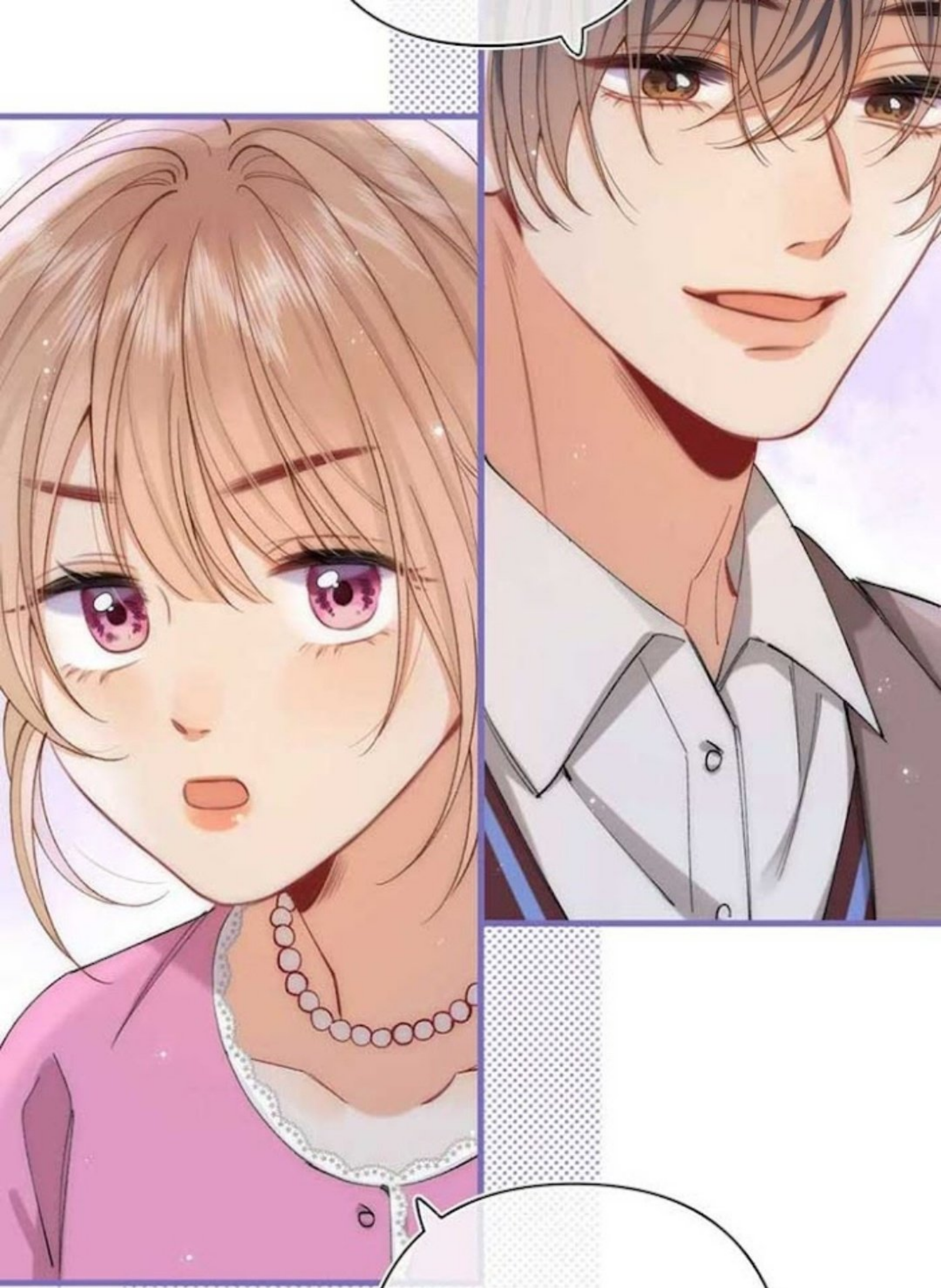
بیشتر لباس  
پوش، بیرون  
سرده.

باشه.

وقتی که رفتم  
میوه بشورم،

بابام چیزی  
بهت گفت؟

اون حرفی نزد،  
فقط داشتیم گپ  
میزدیم.



واقعا؟



اوه، راستی!



این برای توعه.

میخوای بهم پاکت سرخ\* بدی؟

همم، این پول عیدیم نیست. این پولیه که خودم از معلم خصوصی بودن درآوردم.



\*پول عیدی چینه که توی یه پاکت قرمز میلان، چورن توی فرهدنگ چین، قرمز رنگ خوش شانس و خوش بختیه.

تازه خودم  
طرحش رو کشیدم،  
خوشگله؟

این منم؟ چرا  
برام گوش سگ  
کشیدی؟

اونها گوشهای  
روباه ان.

پس تو  
هم داری اقرار  
میکنی؟

که من یه روباه  
بودم؟

همم.

خیلی خب، من  
یه روباهم.

ولی،

کاری از تیم  
ترجمه و ادیت انیوی سکای  
ما ر فقط در کانال تلگرامی  
@AoiSekai  
دنبال کنید

این که به  
دختر بازم رو  
قبول ندارم.



اون سال، وقتی  
مامان مریض شد،

همه از خانواده مون  
دوری کردن،

به غیر از خانوادگی  
سانگ ژی...



پسرم، لازم نیست بابت برگردوندن پول عجله کنی. فعلا  
خوب از مادرت مراقبت کن، وقتی که به کار ثابت پیدا  
کردی می‌تونیم راجع به پول صحبت کنیم. اگه چیز  
دیگه‌ای نیاز داشتی، خبرم کن.



با درنظر گرفتن  
شرایط خانواده‌ات،  
مادر ژنی و  
من...

یه سری  
نگرانی‌هایی...

داریم.



اون احساس سخت  
ناتوانی و حقارت...



دوباره داره  
برمیگرده...

ادامه دارد...

سلام

این فایل که هم‌اکنون خوندید،  
توسط تیم بزرگ تلگرامی

*AoiSekai*

ترجمه و ادیت شده و برای شما  
و بقیه افرادی که به مانهوا  
خوندن علاقه دارن آماده  
شده.

تیم آئویی سکای فقط و  
فقط در تلگرام فعالیت میکند.

اگه این فایل توی روییکا، سروش،  
ایتا، اینستا و بقیه پیام رسان‌های داخلی و  
خارجی گذاشته شده و دارید میخونید،  
بدونید بدون اجازه‌ی تیم ما گذاشته شده  
و این کار دزدی محسوب میشود و به  
هیچ عنوان ما راضی نیستیم.  
فقط و فقط ما رو از طریق کانال تلگرامی  
زیر دنبال کنید و مارو حمایت کنید:



[HTTPS://T.ME/AOISEKAI](https://t.me/AOISEKAI)